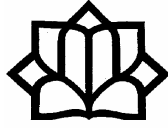


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه کاشان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

### **پایان نامه**

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

## **عنوان :**

**تصحیح و تعلیق دیوان رفیق اصفهانی**

### **استاد راهنما :**

دکتر علیرضا فولادی

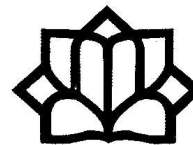
### **استاد مشاور :**

دکتر سید مهدی متولی

### **به وسیله :**

فرزانه صمدانی

مهرماه 1390



دانشگاه کاشان  
دانشکده علوم انسانی

بسمه تعالی

تاریخ:  
شماره:  
پوست:

مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه  
صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

نام و نام خانوادگی دانشجو: فرزانه صمدانی  
شماره دانشجو: ۸۷۲۳۱۱۰۰۰۴  
رشته: زبان و ادبیات فارسی  
دانشکده علوم انسانی  
عنوان پایان نامه: تصحیح و تعلیق دیوان رفیق اصفهانی  
تعداد واحد پایان نامه: ۴  
تاریخ دفاع: ۱۳۹۰/۷/۱۱

این پایان نامه به مدیریت تحصیلات تکمیلی به منظور بخشی از فعالیتهای تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد ارائه می گردد. دفاع از پایان نامه در تاریخ ۹۰/۷/۱۱ مورد تأیید و ارزیابی اعضای هیأت داوران قرار گرفت و با نمره ۱۸٫۵ به عدد ۱۸٫۵ و با درجه بسیار خوب به تصویب رسید.  
اعضاء هیأت داوران: به حروف هجری و کبی

عنوان	نام و نام خانوادگی	مرتبه علمی	امضاء
۱. استاد راهنما	دکتر علیرضا فولادی	استادیار	
۲. استاد مشاور	دکتر مهدی متولی	استادیار	
۳. متخصص و صاحب نظر دانشگاه	دکتر رضا روحانی	دانشیار	
۴. متخصص و صاحب نظر دانشگاه	دکتر فاطمه طاهری	استادیار	
۵. نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر محسن سیفی	استادیار	

مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه

آدرس: کاشان - بلوار قطب رواندی

کد پستی: ۵۱۱۶۷ - ۸۷۳۱۷

تلفن: ۵۱۲۳۲۷ - ۵۱۲۳۷۷

http: www.kashanu.ac.ir

## تقدیم بہ :

یاوران دلسوزم : پدر و مادرم کہ الطاف بی پایانشان مراد انجام رساندن این تحقیق یاری رساند. و همچنین ہمسرمہ بانم کہ کچنہ علم ایشان بہ ضمیمہ زحمات بی دریغشان موجب موفقیتم

در این پروژہ شد.

## تشکر و قدردانی

سپاس خدای را سزااست، خرد آفرین برای نیکوگزینان.

قدردانی می‌کنم:

از عزیزتر از جان مادرم، اسطوره راستی زندگی ام و پدر مهربانم آن که قاشخ حمیدت را راست بماند.  
از استاد گرانقدرم، جناب آقای دکتر علیرضا فولادی که طی این مرحله بی‌همری ایشان میسر نمی‌نمود و  
راهنمایی بنده را در این رساله بر عهده داشتند و جناب آقای دکتر متولی، استاد ارجمندم که در امر مشاوره مشفقانه  
مرا یاری نمودند.

همچنین از اساتید، جناب آقای دکتر رضا روحانی و سرکار خانم فاطمه طاهری کمال تشکر و قدردانی را  
دارم.

از جناب آقای دکتر محسن سیفی نیز که نظارت جلد به‌ر عهده دارند، تشکر می‌نمایم.

## چکیده

دوره بازگشت یکی از ادوار شعر فارسی در قرون 12 و 13 است که تفحص و تحقیق در آن زیاد صورت گرفته است در این دوره شاعرانی چون مشتاق ، شعله ، وصال ، رفیق و ... ظهور می کنند که جناب شاعری آن ها بلند است و جای بحث و تفحص دارد. ما نیز در این جایگاه سعی کرده ایم علاوه بر تصحیح دیوان رفیق که بخش اعظم کار ماست به بررسی شعر این دوره و به خصوص رفیق اصفهانی بپردازیم و ویژگی های شعر او را بیان داریم. علاوه بر این شناسایی دقیق همراه با جزئیات زندگی رفیق که تا کنون در هیچ کتابی به آن پرداخته نشده است از دیگر مسئولیت های مهم ماست که با رجوع به تذکره ها حاصل کرده ایم. امید است توانسته باشیم این کار را به نحو احسن به انجام رسانیده باشیم و خوانندگان گرامی ما را از خطایای موجود آگاه کنند و بر ما از این بابت خرده نگیرند که انسان جایز الخطاست .

## کلمات کلیدی :

رفیق اصفهانی ، سبک بازگشت ، تصحیح ، نسخه

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیش گفتار .....	1
شرح تحقیق .....	1
1. موضوع تحقیق .....	1
2. زمینه، سابقه و تاریخچه تحقیق .....	1
3. اهداف تحقیق .....	1
4. اهمیت و ارزش تحقیق .....	1
5. فرضیه های و سؤال های ویژه .....	2
6. روش انجام تحقیق .....	2

### فصل اول: مقدمه

نام و نشان رفیق .....	4
نام .....	4
محل تولد .....	4
تاریخ تولد .....	4
شغل .....	5
تحصیلات .....	5
سفرها .....	5
ممدوحان .....	6
آثار .....	6
تاریخ وفات .....	6
محل دفن .....	7
رفیق و سبک بازگشت .....	7
ویژگی های سبکی .....	11
الف: زبانی .....	11
الف - 1. آوایی .....	11

- الف - 2. واژگانی ..... 13
- واژگان پریسامد ..... 13
- واژگان نامأنوس ..... 14
- واژگانی که تحول معنایی داشته اند ..... 15
- عربی مآبی ..... 17
- واژگان عامیانه ..... 18
- واژگان نو ..... 18
- الف - 3. دستوری ..... 18

- ب : ادبی ..... 21
- ب-1. بیان ..... 21
1. مجاز آلیت ..... 21
2. مجاز جزء و کل ..... 21
3. مجاز حال و محل ..... 21
4. انواع تشبیه ..... 21
5. تشبیه مرکب ..... 21
6. تشبیه مضمّر ..... 22
7. تشبیه تفضیل ..... 22
8. استعاره مصرّحه ..... 22
9. استعاره مکنیه ..... 22
- 10 کنایه ..... 22

- ب- 2 : بدیع ..... 22
- موازنه و ترصیع ..... 22
- تصدیر ..... 23
- جناس تام ..... 23
- جناس اشتقاق ..... 23
- انواع جناس ناقص ..... 23



24.....	ایهام و ایهام تناسب.....
24.....	جمع و تقسیم.....
24.....	لف و نشر.....
24.....	تلمیح.....
24.....	حسن طلب.....
25.....	حسن تعلیل.....
25.....	تنسیق الصفات.....
25.....	طرد و عکس.....
25.....	تضاد.....
25.....	تضمین.....
25.....	ب-3. عروض و قافیه.....
25.....	وزن.....
26.....	قافیه و ردیف.....
26.....	غزلیات دو مطلعی.....
26.....	ج- محتوایی.....
28.....	اشعار رفیق.....
28.....	غزلیات.....
31.....	قصاید.....
32.....	مثنوی ها.....
32.....	قطعات.....
33.....	رباعیات.....
33.....	اشعار ناقص.....
33.....	روش تصحیح.....
34.....	معرفی نسخ.....

## فصل دوم : متن

### فصل سوم

302.....	تعلیقات.....
307.....	فرهنگ واژگان.....
312.....	فرهنگ اعلام.....

### فهرست ها

316.....	آیات و احادیث و سخنان بزرگان.....
318.....	فهرست مطلع اشعار.....
333.....	فهرست واژگان.....
342.....	فهرست اعلام.....
349.....	فهرست منابع.....

## پیش گفتار

شرح تحقیق:

1- موضوع تحقیق: تصحیح دیوان رفیق اصفهانی، شاعر نیمه ی دوم قرن دوازدهم و ربع اول

قرن سیزدهم

2- زمینه، سابقه و تاریخچه تحقیق:

دیوان رفیق اصفهانی برای اولین بار توسط آقای احمد کرمی از روی یک نسخه و به طور ذوقی تصحیح شده است و البته باید گفت این دیوان جز غزلیات و معدود رباعیات، شامل قوالب دیگر نمی شود. این تصحیح از لحاظ علمی جایگاه چندان والایی ندارد. زیرا چنانکه ذکر شد تصحیح ایشان ذوقی است و لزوم یک تصحیح علمی و آکادمیک، بر اساس مبانی تصحیح، ضروری می نماید.

3- اهداف تحقیق

- زنده کردن عناصر فرهنگی، ملی، مذهبی که ممکن است بعضی نهفته یا نابود شده باشند.

- بررسی زندگی و سبک شعری شاعر

- بررسی وضعیت اجتماعی، فرهنگی و تاریخی عصر رفیق در اشعار او

- مقایسه قدرت شاعری رفیق اصفهانی با دیگر غزلسرایان و تقلید و تتبع او از دیگران

- افزودن اثری به آثار زیبای زبان شیرین فارسی به صورت تصحیح

4- اهمیت و ارزش تحقیق:

از آن جایی که نسخ خطی گنجینه ای از عناصر فرهنگی، ملی و مذهبی را در خود جای داده است و این زمان بیشتر از هر زمان دیگری نیاز به زنده کردن این عناصر احساس می شود. احیای این آثار گرانبها آن گونه که بعضی چون جلال آل احمد در برهه ای آن را «نیش قبر» نامیدند، نیست؛ بلکه زنده کردن فرهنگ درخشان یک ملت است. فرهنگی که قرن ها بر این کره خاکی می درخشیده و اکنون با غبار زمان از جلای آن کاسته شده است و برماست زدودن این عیار از مخدره فرهنگ با ارزش ایران اسلامی به خصوص در عصر جنگ فرهنگ ها.

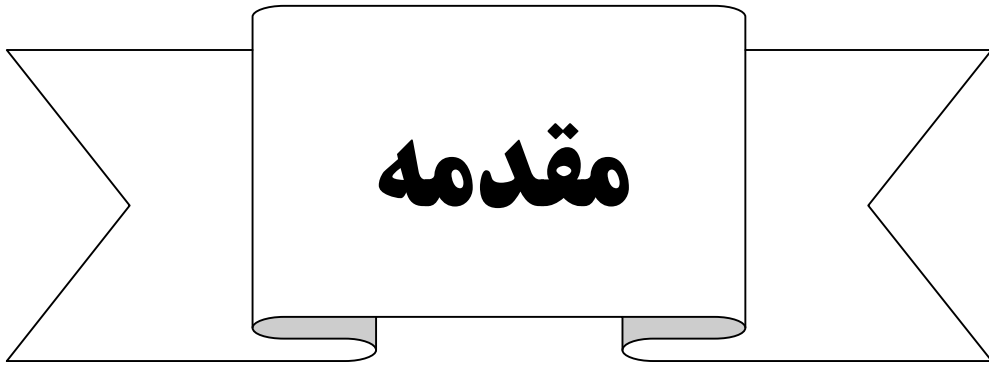
5- فرضیه ها و سؤال های ویژه:

- رفیق اصفهانی که بود؟
- آیا سبک اشعار رفیق تحت تأثیر سبک بازگشت است آیا او در ایجاد یا تحول سبک بازگشت، نقشی داشته است؟
- مرتبه شاعری رفیق در تاریخ ادب ایران و اینکه آیا رفیق دارای سبکی خاص یا ابداعی در زمینه غزل یا هر قالب دیگری بوده است؟
- از رفیق چند نسخه خطی بازمانده است؟
- تصحیح این نسخ چه روشی می طلبد و چه نتایجی به بار می آورد؟

6- روش انجام تحقیق:

تهیه نسخ خطی از کتابخانه های مورد نظر به تعداد شش نسخه، با توجه به اینکه در حین تصحیح به این نتیجه رسیدیم که هر شش نسخه از اغلاط، مبراً نبودند و نتوانستیم یکی از نسخ را به عنوان نسخه کم غلط و «نسخه اساس» انتخاب کنیم، از این رو، تصحیح التقاطی، را برای این نسخه برگزیدیم. ضبط اختلاف نسخ و وارد کردن در زیر نویس اشعار و در نهایت نقد شعر رفیق و استخراج فهرست های مورد نیاز .

# فصل اول:



## نام و نشان رفیق

«مرحوم خیامپور» از منابع و تذکرةهایی که از رفیق یاد کرده‌اند، به ترتیب از آذر در «آشکده»، زنوزی در «ریاض الجنة»، ذنبلی در «نگارستان»، هدایت در «مجمع الفصحا»، عبداللطیف در «تحفة العالم»، سامی در «قاموس اعلام»، مدرس در «ریحانة الادب»، محمود میرزا در «سفینة المحمود»، قدرت در «نتایج الافکار»، صبا در «روز روشن»، بهمن میرزا در «تذکره محمدشاهی» و ابن یوسف در «فهرست کتابخانه مجلس» یاد می‌کند (ر.ک: خیامپور، 1340، ذیل رفیق اصفهانی). اما مبالغ دیگری نیز می‌توان بر این موارد افزود از جمله: «تذکره اختر» که جالب است تصحیح خود مرحوم خیامپور است ولی در «فرهنگ سخنوران»، سخنی در این مورد بیان نکرده‌اند. «الذریعه»، «تذکره صحف ابراهیم»، «تذکره عقد ثریا»، «تجربة الاحرار و تسلیة الابرار» ذنبلی، «تذکره انجمن خاقان» از فاضل خان گروسی، «مکارم الآثار» میرزا محمدعلی معلم حبیب‌آبادی، که در پژوهش‌های ما حاصل شد و بعید نیست علاوه بر این موارد، موارد دیگری نیز باشد که ذکر خیر رفیق در آن‌ها آمده باشد. در این مسوّد جز «ریاض الجنة» و «قاموس اعلام» سامی و «تذکره محمدشاهی»، تمام منابع را از نظر گذرانیدیم که بعضی تکرار مکررات و رونوشت از اسلاف است.

و اینک حاصل این کندوکاوها:

### نام :

نام کاملش «ملّاحسین اصفهانی» متخلّص به رفیق که در برخی منابع، «سبزی‌فروش» را نیز به آن اضافه کرده‌اند (ر.ک: آقا بزرگ، ج 9، 1338، ذیل رفیق و تذکره روز روشن، 1343، ص 306).

### محل تولّد :

تمامی منابع نامبرده، بر اینکه در اصفهان متولّد شده است، اتفاق نظر دارند.

### تاریخ تولّد :

در مورد تاریخ تولّد او، تنها مورد مذکور سنه 1150 بوده است، که دلیل متقنی برای رد این موضوع وجود ندارد (مظفر حسین صفا، 1343، ص 306 و مصحفی، 1388، ص 68) و هیچ اختلاف قولی دیده نمی‌شود.

### شغل :

اضافه شدن صفت «سبزی فروش» به رفیق به خاطر این است که مدتی را به این شغل مشغول بوده است (ر.ک: گروسی، 1376، ص 505؛ شوشتری، 1363، ص 212 و حبیب آبادی، 1337، ص 432). البته احمد گرجی نژاد تبریزی، متخلص به «اختر» در «تذکره اختر» آورده که: «رفیق این کار (سبزی-فروشی) را در صغر سن انجام داده است نه دوران بزرگسالی» (ر.ک: گرجی نژاد، 1343، ص 79). به هر حال او به قول برخی از تذکره نویسان، پس از مدتی دست از این کار کشیده و مشغول کسب علم و تحصیل فضایل شده است.

### تحصیلات :

اینکه برخی از تذکره نویسان او را بی بهره از خواند و نوشت دانسته اند (ر.ک. مظفر حسین صفا، 1343، ص 307) و برخی دلیل پیشرفت او را به رفت و آمد در مجلس شعرا نسبت می دهند (ر.ک: شوشتری، 1363، ص 211) بی مورد است، زیرا در شعر رفیق، آگاهی از ظرایف ادبی، نجومی، تاریخی، آشنایی با زبان عربی و قرآن و احادیث، آن قدر موج می زند که نمی تواند آنها را لزوماً در رفت و آمد در مجالس شعرا کسب کرده باشد و باید به همان قول اول که او خود به تحصیل علم و فضیلت پرداخته، ایمان بیاوریم. به هر حال او به قول تمام تذکره نویسان، مورد احترام تمام بزرگان شهر و شعرای بزرگی چون هاتف، آذر و مشتاق بوده است (ر.ک: هدایت، 1340، ص 320). این قول خود آذر است در «آتشکده»: «رفیقی است شفیق و انیسی دقیق و در تصدیق شعر دوستان دلش رحیم و سلیقه اش در شعرشناسی مستقیم. مکرراً از صحبت ایشان مستفیض گردیده ام» (آذر، 1378، ص 498).

### سفرها :

رفیق احتمالاً مدتی را در شیراز گذرانیده است و این موضوع هم از بعضی تذکره ها به دست می آید و هم در بعضی اشعار خود او. مثلاً «دنبلی»، دیدار او را در اصفهان و شیراز ذکر کرده است (ر.ک: دنبلی، 1352، ص 197 و دنبلی، 1349، ص 440) یا مثلاً خود او در قصیده مانندی در قدوم کریم خان آورده است:

چو گرد موکب او داد فارس را      چو خلد خطه شیراز شد مقام سرور  
(قطعه 7، بیت 7)

یا در جای دیگر که دلش برای اصفهان تنگ شده:

چه شمال فرح فزا بود این      که به شیراز از اصفهان آمد  
(قصیده 7، بیت 11)

احتمال این که او مدتی را نیز در کاشان به سر برده باشد، زیاد است ولی هیچ‌یک از تذکره‌نویسان، اشاره‌ای به این موضوع ندارند و این از اشعار خود رفیق بر می‌آید. او در قصیده‌ای غراً می‌آورد:

خروش طایر دورافتاده از چمنی را      به سنبل و سمن و سرو و ارغوان  
غرض که قصه شوق مرا به جانب      به اصفهان و به یاران اصفهان برساند  
(قصیده 5، بیت 23 و 26)

همچنین وی قصد سفری به هند نیز داشته است که معلوم نیست این سفر را به انجام رسانده باشد یا خیر. خود او در بیتی می‌گوید:

رفیق آماده هند است اما      صفاهان خاک دامن گیر دارد  
(غزل 146، بیت 7)

و در این مورد نیز سخنی در تذکره‌ها به میان نیامده است.

#### ممدوحان :

باید بدانیم که رفیق اهل مدح و ذم نبوده است و بیشتر یک شاعر غزلسراست و در منبعی نیز به این موضوع که او مدح یا ذم کسی را کرده است، اشاره نشده است و خود او نیز به این موضوع که اهل مدح نیست، اشاره کرده است که بعداً در بخش توضیح قصاید خواهد آمد اما در قصاید و قطعات شبیه به قصیده، در مدح کسانی مانند کریم خان، پسرش ابوالفتح خان، نعت حضرت علی (ع) و . . . اشعاری سروده است.

#### آثار :

تنها اثر رفیق بنا به قول تمامی منابع، دیوان اوست که شامل قصاید، غزلیات، قطعات، رباعیات و مثنوی هاست.

#### تاریخ وفات :

رفیق که مردی نکته‌دان، دهقان‌منش، خوش‌اخلاق و بذله‌گو بود، اواخر عمر را در اصفهان گذرانیده است. اما در مورد تاریخ درگذشت او، یک مشکل وجود دارد و آن اینجاست که در تذکره‌ها عده‌ای سال وفات او را 1212 ذکر کرده‌اند (ر.ک: گروسی، 1376، ص 506 و دنبلی، 1352، ص 39) و بعضی مثل مولوی محمد سال 1226 را آورده‌اند (ر.ک: مظفر حسین صفا، 1343، ص 306). اما بدون تردید قول دنبلی و فاضل خان به خاطر اینکه ایام او را درک کرده‌اند و با او معاصر بوده‌اند، معتبرتر است. ضمن اینکه در کتاب تحفه العالم، شوشتری آورده است که «رفیق چندی قبل از این



در گذشت « (رک. شوشتری ، 1363، ص 211) حال آن که شوشتری کتابش را در سال 1219 به پایان برده است (همان ، ص 13) و بدین صورت مشخص می شود که چندی قبل، سال 1226 نمیتواند باشد و حتماً همان سال 1212 صحیح است علاوه بر آن در تذکره عقد ثریا آمده است که « سه سال است که از این باغ سبز به سبزه زار گلستان عدم خرامیده است» ( مصحفی ، 1388، ص 69) در باب تألیف این کتاب نیز خود مؤلف آن را 1199 ذکر می کند ولی نام بعضی از نویسندگان مثل «فصیح هندی» را در سال 1212 وارد کرده و این نشان می دهد که تألیف این کتاب تا همین حوالی و شاید کمی بعد از آن نیز ادامه داشته است با تمام این اوصاف این تاریخ نیز سال 1226 را برای فوت رفیق رد می کند و همان سال 1212 را تأیید می نماید . دلیل دیگر برای این مورد، ذکر فوت رفیق در کتاب «مکارم الآثار» در حوادث سال 1212 است (رک: حبیب آبادی، 1337، ج 1، ص 432) ضمن اینکه اعتمادالسلطنه در «منتظم ناصری» آخرین حادثه سال 1212 را فوت رفیق اصفهانی ذکر کرده است. (رک: اعتمادالسلطنه ، 1376، ج 3، ص 1444).

#### محل دفن :

جنازه رفیق را بعد از فوت به اتفاق قول تمام تذکره نگاران به نجف انتقال دادند و در آنجا به خاک سپردند.

#### رفیق و سبک بازگشت

رفیق در دوره جهان سوزی های نادر، دیده به جهان می گشاید و در دوران جنگ های به دست گرفتن قدرت بعد از نادر، می بالد. دوران بیست ساله با ثبات کریم خان را تجربه می کند و بعد از او نیز جنگ هایی را که بر سر قدرت در می گیرد، درک می کند و تا اوایل دوره قاجار که ثباتی نسبی حاکم می شود، به سبزه زار گلستان عدم می خرامد. قتل و جنگ، کشتار، سوزاندن، مثله کردن، هرج و مرج، ناامنی و ویرانی، حاصل بیشتر ایامی است که رفیق در آن به سر می برد (رک: رجبی، 1376، ص 16 به بعد). پیداست که در چنین دورانی، هنر و ادبیات چه احوالی دارد، در روزگاری که مردم، بعضی از گرسنگی و بعضی از بیماری جان می دهند و حاکمان می کشند و می سوزانند.

شاید در طول حدود شصت سال زندگی رفیق، دورانی که با حکومت کریم خان مصادف بوده و منجر به استقلال و آرامشی نسبی شده، فرصت برای پرداختن به شعر پیش آورده است «تعداد کثیری از شعرا و نقاشان بی پول و تهیدست به امید دریافت مستمری راهی دربار وکیل شدند» (پری، 1365، ص 346) اما باز معلوم نیست به قول مرحوم بهار کریم خان صله ای به شاعری داده باشد (رک: بهار، سال سیزدهم، ص 443 به بعد).

اما به هر روی در این روزگار، اصفهان که در آن عهد خرابی بی حد دیده بود و مردم آن پراکنده و بی سر و سامان شده بودند و با اینکه کریم خان چنانکه گفتیم مردی شعر دوست و شاعر پرور نبود و خود در اصفهان اقامت نداشت و به ظاهر امر، موجبات سیاسی و اجتماعی نیز برای ایجاد چنین نهضتی در این شهر وجود نداشت، کانون نهضت شد (آرین پور، 1372، ص 13) و این نهضت در حقیقت، نهضت روی گردانی از شعر سبک هندی است. البته به قول شمس لنگرودی شاید مقدمه این بازگشت به قبل تر و ظهور شاعرانی چون «ضمیری» و «نظیری» بود (لنگرودی، 1372، ص 48 به بعد) هر چند این نکته را ما قبلاً در کلام کسانی مثل دنبلی دیده ایم. اما به هر صورت به شکل رسمی، این مکتب را در اصفهان، توسط کسانی مثل «مشتاق» و «شعله» به راه انداختند و این مکتب هم‌زمان با اوایل زندگی رفیق و هم‌مکان با تولد او صورت می‌گیرد.

در ضمن این مکتب که به ظاهر بزرگ‌ترین مکتب آن روز ایران و اصفهان است و شاعران این مکتب علاوه بر مشتاق و شعله کسانی چون هاتف، عاشق اصفهانی، صباحی بیگدلی، آذر و... است که همه مرام بازگشتی و تتبع از شاعران قبل از سبک هندی دارند و هدفشان رهایی بخشیدن شعر فارسی از تباهی و فقر دوره انحطاط صفوی و زمان آشوب و اغتشاش بعد از آن بود و آنها برای رسیدن به منظور خود، راه دیگری جز بازگشت به سبک و شیوه قدیم و پیروی از طرز بیان استادان بزرگ نمی‌دانستند (آرین پور، 1372، ص 15)، محفل شب‌نشینی‌ها و رفت و آمدهای رفیق اصفهانی می‌شود و رفیق نیز به سلک این شاعران در می‌آید و از بزرگ‌ترین شاعران این مکتب می‌شود و مورد احترام بسیاری از بزرگان این مکتب قرار می‌گیرد، به طوری که کسانی چون «آذر» چنانچه دیدیم، از او تجلیل می‌کنند و به بزرگی یاد می‌کنند و کسانی مثل صباحی برای درد دل از کسانی که هنوز به سبک هندی شعر می‌گویند، برای رفیق قطعه‌ای می‌نویسد و او را حقیقتاً مدرک درد دل خود می‌داند:

شکایتی است ز ابنای روزگار مرا	تویی به درک وی الحق در این بساط حقیق
نجسته ره به طریقت ستاده در ارشاد	نبرده پی به حقیقت نشسته در تحقیق
رسانده بانگ فضیلت به چرخ و شناسد	سهیل را ز سُها و سهیل را ز نهیق
به خضر طعنه و خود در میان وادی گم	به نوح خنده و خود در میان بحر غریق
زبان طعنه گشایند در بزرگانی	که شعرشان بد و شعری بود به رتبه شقیق
ز ششصد است فزون کارمیده‌اند به خاک	که خاک مرفدشان باد رشک مشک سحیق
کسی نه زاهل جهان منکر بلاغشان	چه از وضع و شریف و چه از عبید و عتیق
به صدق دعویشان عالمی گواه چو تو	سزد ز روح الامین بشنوی بر این تصدیق

نیارود به جز از خیر یاد این طبقات      میان معنی و لفظ آنکه می‌کند تطبیق  
 ز طرز و شیوه ایشان شود چو کس عاجز      برای خود کند اندیشه مخلصی ز مضیق  
 نهد به شاعر دیرینه تهمت هذیان      دهد به گفته پیشینه نسبت تلفیق  
 بود طریقه ما اقتضای استادان      پیاده را نرسد طعنه بر هدات طریق

(صباحی، 1338، ص 86-87)

نکات قابل ذکر در اینجا اولاً این است که سبک بازگشت شامل دو مرحله بوده است: مرحله اول که رفیق نیز جزء همین مرحله است، بازگشت و تقلید به سبک شاعران عراقی است و مرحله دوم که بعد از این است، تقلید از شاعران سبک خراسانی است که از انجمن نشاط آغاز می‌شود. (ر.ک: بهار، ج ۳، ۱۳۷۰، ص ۳۸) از همین روست که ما اکثر ویژگی‌هایی که در اشعار سبک عراقی می‌بینیم، در اشعار سبک بازگشت نیز می‌بینیم. مسائلی مانند بسامد بالای غزل و بسامد پایین قصیده، جایگاه آسمانی معشوق و ... بنابراین باید دانسته شود که شعر رفیق نیز شامل دوره بازگشت به سبک عراقی می‌شود. شایان ذکر است در این دوره، راه هند از ایران جدا می‌شود، ایران راه خود را در پیش گرفت، ولی افغانستان و ترکستان همچنان به هند وفادار ماند و بازگشت ادبی از میان کشورهای فارسی‌زبان، تنها در ایران پا گرفت و طرفدارانی جدی پیدا کرد و مقبولیت یافت، اما در خارج به‌ویژه هند و ترکیه و افغانستان، سبک هندی هنوز رایج است (خاتمی، 1371، ص 54).

نکته دیگر اینکه هر چند سبک دوره بازگشت، زبان و شعر فارسی را از ابتذال و انحطاط نجات داد، اما حقیقت سخن این است که آن همه بدگویی به شاعران سبک هندی نیز کاملاً بیجاست. برای مثال رضاقلی خان هدایت در مقدمه «مجمع الفصحا» می‌آورد: «در زمان ترکمانیه و صفویه، طرزهای نکوهیده عیان شد... غزلسرا چون قراری معین بود به هر نحوی که طبایع سقیمه و سلیقه مضامین بارده و به عوض صنایع بدیعه و بدایع لطیفه مطالب شنیعه و مقاصد کثیفه در درج اشعار و ضمن گفتار درج و تضمین فرمودند». اما چنانچه تاریخ و طبع علما حکم می‌کند، سبک بازگشت نتوانست به بلندآوازی سبک هندی شود و هیچ‌گاه «شاعرانی چون مشتاق، هاتف، صباحی، آذر، مجمر، صبا و امثال آنها در شاعری به پایه صائب، عرفی، نظیری، طالب و کلیم نرسیده‌اند» (همان، ص 53)

اما نکته دیگر بیهوده‌گویی عده‌ای از معاصران است که دوره بازگشت را به هیچ می‌گیرند و برای آن هیچ وجودی قائل نمی‌شوند و آن را دوره تقلید و تکرار می‌دانند و توصیه می‌کنند که نباید به این دوره پرداخت چون پایه و مایه‌ای ندارد. و یا به کل ارزش ادبی این سبک را زیر سؤال می‌برند، برای مثال آقای لنگرودی ضمن برشمردن تعدادی از اشعاری که مشتاق از حافظ استقبال کرده می‌نویسد:

«پرسش این است که آیا بر این نوع تقلید غیر شاعرانه نیز می‌شود، نام مکتب گذاشت» (لنگرودی، 1372، ص 87)

اما نکته در اینجاست، مگر دیوان حافظ خود پر از استقبال از شاعران عهد پیش از خود نیست؟! هر چند حافظ تقلید صرف نکرده و با مواد شاعر پیش نوآوری نیز داشته است، اما به هر حال تقلید است و نفس هر دو عمل یکی است. و اینکه در سبک بازگشت بعضی از غزلیات شاعران بزرگ استقبال می‌شود دلیل بر اینکه همه اشعار آنها تقلیدی است نمی‌باشد؛ در ضمن ما اگر بخواهیم بررسی دقیق‌تری داشته باشیم. نمونه این تقلید در سبک هندی پیش از عهد بازگشت است، چنانچه مرحوم صفا از ویژگی‌های برشمرده سبک هندی، یکی را تقلید و تتبع از آثار معروف گذشتگان می‌داند. (صفا، ج 5/1، 1363، ص 530)

برای نمونه اگر نگاهی به دیوان صائب انداخته شود، شاید بیش از صد غزل بتوان یافت که به استقبال از شاعران بزرگ چون مولانا، حافظ و سعدی رفته است، علاوه بر این مگر ما نمونه این بازگشت را در ادبیات غرب و نئوکلاسیک نمی‌بینیم؟! مگر آنها از به کار بردن نام سبک برای کسانی که از ادبیات کلاسیک‌شان تقلید می‌کنند، ابایی دارند؟! (ر.ک منصور ثروت، 1385، ص 19 به بعد)

در ادبیات عرب هم شبیه به این جریان «حرکة الاحیاء» یا «جنبش بازآفرینی» را ناظر هستیم که در حدود یک قرن پیش یعنی در اوایل قرن بیستم، شاعران مصر بر آن می‌شوند تا با تقلید، ابوتمام، متنبی و نابعه ذبیانی و... را سرمشق قرار دهند (شمیسا، 1382، ص 320).

با تمام این اوصاف چه بخواهیم چه نخواهیم بیش از یک سده از ادبیات کشورمان در دوران بازگشت سپری شده و ما از بررسی آنها ناچاریم.

اما ویژگی‌های سبکی این دوره، از لحاظ زبانی، خامی و سهل‌انگاری در دوره اول بازگشت است و از لحاظ فکری همان افکار مرسوم در عهد غزنوی و سلجوقی در قصیده و حافظ و سعدی در غزل بود (ر.ک: همان، ص 310-320).